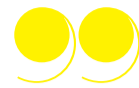
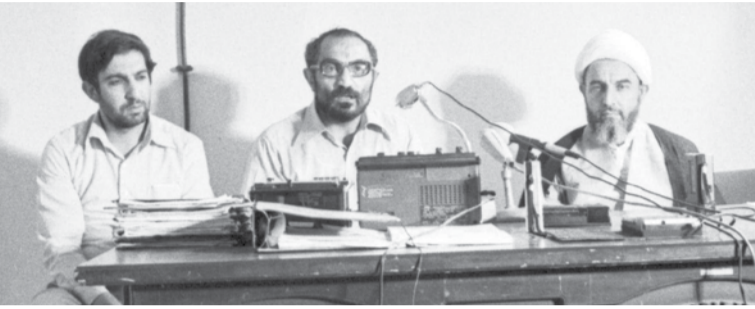


کار لاجوردی در مراحل اخلاص و کمال به حدی رسید که مقتدایش به او ابراز غبطه کرد و فرمود: «حاصل مطلب این است که سرنوشت افتخارآمیزی که آقای لاجوردی پیدا کردند، سرنوشتی است که مورد حسرت و غبطه همه کسانی است که در این راه بودند»



سابقه آشنایی

در دیدار با جمعی از بانوان و به مناسبت میلاد حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «شهید عزیزمان آقای لاجوردی [...] حقاً و انصافاً شخص خیلی برگزیده و انسان والا و پاکیزه‌ای بودند. اخلاصی را که قبلاً یکی از خانم‌ها صحبت می‌کردند، مظهرش مرحوم شهید لاجوردی بود.»

کار لاجوردی در مراحل اخلاص و کمال به حدی رسید که مقتدایش به او ابراز غبطه کرد و فرمود: «حاصل مطلب این است که سرنوشت افتخارآمیزی که آقای لاجوردی پیدا کردند، سرنوشتی است که مورد حسرت و غبطه همه کسانی است که در این راه بودند. بنده از شهادت آقای لاجوردی خیلی متأثر شدم. از دست دادن و فقدان ایشان برای ما سنگین بود. یک عنصر مؤمن، کارآمد، صادق، ریشه‌دار در دین و زمینه انقلابی و مبارزات. امثال ایشان واقعاً عناصر بسیار کمیاب و مغتنمی هستند و از دست دادن‌شان سخت است ولیکن در عین حال به نظرم رسید که حیث بود آقای لاجوردی جور دیگری از دنیا برود [...] آقای لاجوردی شایسته این مقام والای شهادت بود.»

اسلامی بود. او تا آخرین لحظه عمر پربرکتش نیز به توصیه درباره رهبر معظم انقلاب پرداخت. کسی که هنگام لحظه‌های عروج حاج اسدالله با او بود، نقل می‌کند که او در پاسخ به شهید رئیس اسماعیلی که از برخی برخوردها در جهت تضعیف رهبری در آستانه انتخابات خیرگان گلایه می‌کرد، گفت: «همه این گروه‌هایی که به‌ظاهر هم‌صدا شده‌اند، هیچ کدام یکدیگر را قبول ندارند و به‌قدری تضاد در بین اینها هست که اگر این استوانه‌ای که علیه آن شوریده‌اند، نباشد، اینجا بدتر از افغانستان خواهد شد. (اشاره به جنگ داخلی گروه‌های افغان در سال ۱۳۷۷) آقا خیلی با اینها مدارا کرده‌اند و تلاش کرده‌اند تا به‌نحوی همه را جذب کنند و به‌نوعی از همه گروه‌ها استفاده شود. وجود ایشان است که همه را حفظ کرده است.»

عملکرد لاجوردی در طول حیات پربرکتش آن‌چنان بود که رهبر معظم انقلاب درباره‌اش فرمودند: «حقیقتاً اخلاصی که ایشان داشت، اخلاص خیلی بالایی بود.»

حدود یک‌ماه‌ومنیم پس از شهادت او نیز رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب از سابقه دوستی‌شان با شهید لاجوردی چنین یاد می‌کنند: «من خودم از وقتی که آشنایی با مرحوم شهید لاجوردی را به یاد می‌آورم که خیال می‌کنم از نزدیک و به صورت مشخص از اواسط دهه چهل بود، ایشان را در حال مبارزه صادقانه به یاد می‌آورم. من یادم هست که آن وقت‌ها جریان اتفاق افتاده بود و مرحوم لاجوردی و اینها به جایی حمله کرده بودند. قبل از آن هم ایشان زندان بود و بعدش هم بعد از مدت کوتاهی دستگیر شدند. در جمع دوستان ما گفته می‌شد که این مرد، مرد پولادین است. آدم خسته‌نشو است. تصویری که از آقای لاجوردی در ذهن ما بود، تصویر یک انسان خسته‌نشو، صادق و بااستقامت بود. البته دوستان ما در آن زمان خیلی بودند و آدم‌های صادق، مؤمن و ثابت‌قدم در این میانه کم نبودند، [اما] مرحوم لاجوردی چهره برجسته‌ای بود. بعد از انقلاب هم همین‌طور بود.»

شهید لاجوردی پس از پیروزی انقلاب و پیش از رهبری معظم‌له نیز ارتباط نزدیکی با ایشان داشت که یکی از مظاهر آن حضور در شورای مرکزی حزب جمهوری



مرد میدان‌های سخت

راهم عوض کردند. چرا؟ چون به‌وسیله ناراضیان داخلی انجام گرفته است! تبلیغات رسانه‌های دنیا این است.»

مظلومیت لاجوردی در رسانه‌های داخلی نیز کمتر نبود، اما گویندگانی همان‌گونه که لاجوردی در آخرین لحظات گفته بود، چشمشان را بر رسانه‌های داخلی هم‌داستان با رسانه‌های خارجی بستند و باز هم با آنها مدارا کردند. رسانه‌هایی که تعابیر تندلی علیه پرچمدار امنیت در دهه شصت به کار بردند تا نه او، که گفتمان انقلاب را بزنند. ۲۵ سال پس از آن ترور، وقتی تروریست‌ها به عنوان قربانی در دادگاه‌های استکهلم و دوسر حاضر شدند، آشکار شد که مظلومیت این جریان و چهره‌های شاخص آن همچون لاجوردی همچنان ادامه دارد و دسیسه‌های آنها ادامه دارد. نه به جهت کینه‌های کهنه، بلکه برخاسته از خشمی که از طنین صدای انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای ایران اسلامی و شکست دهه‌ها توطئه آنها پدید آمده است و شهدا همچنان پرچمدار این نبرد هستند.

خواهد کرد.» رهبر انقلاب: هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. بعضی‌ها در کار ممکن است ملاحظه‌وجهه را بکنند، ملاحظه‌شان و آبرورا بکنند. بعضی‌ها هستند که این ملاحظه را نمی‌کنند و شهید عزیز ما شهید لاجوردی از این قبیل بود. از نکات مهم زندگی شهید لاجوردی، مظلومیت او بود. رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تاسوعای ۱۳۷۹ این‌گونه فرمودند که: «من این درد درونی خودم را فراموش نمی‌کنم که در یک‌سال و نیم پیش، وقتی که شهید عالی‌مقام و سید عزیز و بزرگوار، شهید لاجوردی به شهادت رسید. کسی که چهره بسیار درخشانی بود و بسیار کسان از مجاهدات او در دوران مبارزات و دوران اختناق خبر ندارند که این مرد چه کرد و کجاها بود و چگونه زندگی کرد، چه زندان‌هایی کشید و چه زحمتهایی متحمل شد. بعد از انقلاب نیز بی‌تظاهرترین کارها را که سخت‌ترین هم بود، بر دوش گرفت و آخر هم شهید شد. یکی از روزنامه‌های آلمان نوشت: ترور لاجوردی، ترور نیست! یعنی آنها عنوان ترور

رهبر انقلاب در پیام تسلیت رسمی خود نیز بسیار فشرده و شاخصه‌های این شهید و الامقام را برشمردند: ویژگی‌هایی همچون «سرباز دین اسلام»، «مبارز سختکوش راه آزادی»، «اخلاص»، «روشن‌بینی»، «حضور در میدان‌های سخت»، «خدمتگزار برای مردم»، «با قدرت و ایثار و به‌دور از مطامع مادی ادای وظیفه کردن»، «خستگی‌ناپذیر»، «مؤمن» و... این مراد برای مریدش دعا نمود که خداوند روح مطهر او را با اجداد طاهرینش محشور فرماید. [متن کامل پیام تسلیت رهبر انقلاب] این داغ اما فروکش ننمود و در اردیبهشت سال ۱۳۷۸، هنگامی که سردار دیگری به دست نفاق به آرزوی شهادتش رسید، در رأی او و در پیام تسلیت‌شان بار دیگر یاد از لاجوردی نیز فرمودند: «کوردلان منافق بدانند که با این جنایت‌ها روزبه‌روز نفرت ملت ایران از آنان بیشتر خواهد شد و خون مردان پاکدامن و پارسا همچون صیاد شیرازی و شهید لاجوردی بدنامی و سیاه‌رویی آنان را در تاریخ و در دل این ملت همیشگی

